

تأملی در مفهوم ادبیات انقلاب

در گفت و گو با دکتر احمد خاتمی
رتال جامع علوم انسانی

بپذیریم که به هر حال در آینده، ادبیاتی که ما هم‌اکنون در آن واقع هستیم، با هر نوع محتوا و قوت و ضعفی که داشته باشد، به عنوان ادبیات انقلاب اسلامی تلقی خواهد شد؛ لذا اولین تعریف ما از ادبیات انقلاب، تعریف دوره‌ای است یعنی ادبیاتی که پس از پیروزی انقلاب شکل گرفت؛ لذا ما نمی‌توانیم بگوییم که در آینده به بخشی از این ادبیات، ادبیات انقلابی و به بخشی دیگر، ادبیات غیرانقلابی بگوییم.

اگر هم امروزه عده‌ای سعی دارند این کار را بکنند، قطعاً در آینده ممکن نخواهد بود و این دوره نیز مثل دوره صفویه، دوره بازگشت و دوره مشروطه، ظرف زمانی‌ای خواهد شد و همه ادبیات این دوره را

در خدمت شما هستیم با مباحث مربوط به ادبیات انقلاب اسلامی. اولین مسأله‌ای که در این حوزه به ذهن می‌رسد، تعریف ادبیات انقلاب است به این معنا که منظور ما از این ترکیب (ادبیات انقلاب) چیست و محدوده و چارچوب‌های آن کدام است؟

دکتر خاتمی: اگر بخواهیم ادبیات انقلاب اسلامی را تعریف کنیم، باید دو قالب را در نظر بگیریم؛ نخست بحث زمان و دوره و دیگری محتوا و نگرش به ادبیات است. یکی از چیزهایی که در تاریخ ادبیات ما ماندگار خواهد شد، تقسیم‌بندی‌های دوره‌ای است؛ یعنی ما باید



و همداستان نباشد؛ بدین معنا که پوسته داستانی دستمایه‌ای برای مخالفت با آن مبانی باشد. نگرش ما به این نوع آثار چگونه باید باشد؟

دکتر خاتمی: مسأله‌ای که مطرح فرمودید در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی وجود دارد و برای همین است که ما در این حوزه باید با معیارهای خاصی به نقد و بررسی ادبیات بپردازیم؛ لذا بخشی از این ادبیات به لحاظ محتوایی همان ادبیاتی است که به دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن و دفاع از دفاع مقدس می‌پردازد که پسندیده و درست است؛ اما در کنار این جریان اتفاقات دیگری نیز به وقوع پیوسته است و برخی از نویسندگان از موضع مخالفت به انقلاب و دفاع مقدس نگریده‌اند و به نقد انقلاب، دفاع مقدس و مبارزه با استکبار جهانی پرداخته‌اند؛ لذا در تحلیل محتوایی دستاوردهای ادبیات انقلاب، این مسائل باید در نظر گرفته شود اما به اعتقاد من همه این آثار در تعریف دوره‌ای، زیرمجموعه ادبیات انقلاب تلقی می‌شوند.

در مواردی می‌توانیم آثاری را که در حوزه انقلاب اسلامی و مسائل انقلاب اسلامی تألیف شده است و در جهت آرمان‌های انقلاب است، ادبیات انقلاب به معنای خاص آن در نظر بگیریم که البته من این نگرش را دست‌کم در مباحث مربوط به تاریخ ادبیات، نگرش درستی نمی‌دانم و به گمانم آیندگان نیز چنین نگرشی نخواهند داشت؛ لذا ادبیات انقلاب اسلامی نمی‌تواند مضمون خاصی را در برگیرد و باید دربرگیرنده تمام مضامین باشد و این مضمون‌ها را نقد و عرضه و طبقه‌بندی کند. اگر هم امروز این کار صورت نگیرد، آیندگان این کار را انجام خواهند داد.

بنابراین اگر تلقی ما از ادبیات انقلاب، تلقی محتوایی باشد، ناچاریم ادبیات انقلاب را به دو شاخه موافق و مخالف و به عبارت دیگر مثبت و منفی تقسیم کنیم.

دکتر خاتمی: بله، همین‌طور است، ادبیات انقلاب اسلامی با نگرش خاصی که در مورد آن وجود دارد به معنی ادبیاتی است که در جهت اهداف و آرمان‌های اسلامی تألیف شده است و ارزش‌های اسلامی و ایرانی و انقلابی را تبلیغ می‌کند. با چنین دیدگاهی، محدوده‌ای خاص جزء ادبیات انقلاب اسلامی تلقی می‌شود و سایر آثار از این حوزه خارج می‌گردد و این تلقی تبعات خاص خود را دارد.

اگر ما همین تلقی خاص را در نظر بگیریم و ادبیات انقلاب را با همین مفهوم در نظر داشته باشیم، آیا می‌توانیم ردیای این سنخ متن‌های ادبی را پیش از برچیده شدن نظام سلطنت و ظهور انقلاب اسلامی، مشاهده نماییم؟

دکتر خاتمی: من برای پاسخ دادن به این سؤال لازم می‌دانم

دربرخواهد گرفت. تعریف دیگر مربوط به محتوای تولیدات ادبی در این دوره است و اینکه ما با چه نگرشی به قضیه نگاه کنیم و چه متنی را متن ادبیات انقلاب به شمار آوریم که البته در این زمینه باید با دقت و توجه خاصی عمل نماییم و نباید مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌های ما به گونه‌ای باشد که ادبیات دوره انقلاب اسلامی را به صرف اینکه گاهی بعضی از ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی را به لحاظ نگرش و محتوا ندارد، از حوزه ادبیات انقلاب اسلامی دور کنیم. امروزه ممکن است برخی از نویسندگان و شاعران و منتقدان و ادبا با این نظریه به ادبیات انقلاب بنگرند و ادبیاتی را که موضوع آن به نوعی مرتبط با انقلاب و موضوع دفاع مقدس باشد، ادبیات انقلاب اسلامی در نظر بگیرند؛ البته این نظر هم به نوبه خود، پذیرفتنی و قابل احترام است، اما این نگرانی ممکن است پیش بیاید که چنین نگرشی محدوده ادبیات انقلاب را تنگ کند و آثار برجسته‌ای را که در این دوره به برکت انقلاب اسلامی ایجاد شده است از حوزه ادبیات انقلاب اسلامی خارج نماید.

بنابراین به گفته شما ما با دو نوع تعریف مواجه هستیم. نوع اول، تعریف دوره‌ای است و نوع دوم تعریف محتوایی. حال در محدوده تعریف دوم ممکن است اثری وجود داشته باشد که موضوع محوری آن انقلاب و دفاع مقدس باشد، اما تفکر حاکم بر آن با تفکرات و مبانی اندیشه منتهی به انقلاب، همسو

کودک و نوجوان، ادبیات علمی، رمان، شعر و داستان کوتاه نیز جزء ادبیات انقلاب اسلامی است و ما می‌توانیم در این طبقه‌بندی‌ها، با جهتگیری خاصی به تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی نیز بپردازیم. از منظر محتوایی نیز، چنین تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی‌ای ضروری به نظر می‌رسد و از این طریق است که می‌توانیم وضعیت و موقعیت خودمان را در سی سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف ادبیات انقلاب اسلامی ارزیابی نماییم.

به هر حال برچیده شدن نظام سلطنت و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و وقوع تحول بزرگ اجتماعی که تمام ارکان جامعه را ویران کرد و نظام جدیدی را مستقر نمود، اتفاق بزرگی به حساب می‌آید که غیر از ایران منطقه خاورمیانه و سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر قرار دارد. حال در جامعه‌ای که تحولی با این عظمت در آن به وقوع پیوست، قطعاً نویسندگان و شاعرانی حضور داشتند. سؤال من این است که مواجهه این گروه یعنی فرهیختگان ادبی جامعه، با این تحول بزرگ چگونه بوده است؟

دکتر خاتمی: به عقیده من مواجهه نویسندگان و شاعران پیش از انقلاب با این تحول به سه صورت بوده است. گروهی نویسندگان و شاعرانی بودند که با شنیدن صدای انقلاب، خود را با انقلاب هماهنگ کردند و به دوره انقلاب اسلامی راه یافتند و بر صراط این انقلاب حرکت نمودند. ادبیات این گروه، پس از انقلاب، ادبیات انقلاب اسلامی است. گروه دیگر کسانی هستند که به محض پیروزی انقلاب، نوعی مبارزه و مواجهه خصمانه یا منفی را با انقلاب در پیش گرفتند و رودرروی انقلاب ایستادند و به نوشتن مطالبی روی آوردند که با آرمان‌های انقلاب و مردم انقلابی هماهنگ نبود.

گروه سوم هم کسانی هستند با پیروزی انقلاب از کشور خارج شدند. این گروه یا در مقابل انقلاب موضعی منفی گرفتند و یا اینکه بی‌تفاوت به مسائل انقلاب اسلامی در خارج از کشور به فعالیت‌های ادبی پرداختند و ادبیات دیگری را ذیل عنوان ادبیات مهاجرت ایجاد نمودند. بنابراین مواجهه و برخورد همه نویسندگان با انقلاب اسلامی یکسان نبوده است. انبوهی از این شاعران و نویسندگان، شعر و نثر خود و نیز توانایی‌های خود را در خدمت انقلاب قرار دادند. انقلاب نیز این گروه را به عنوان ادیبان و شاعران و نویسندگان و منتقدان انقلاب اسلامی درون خود پذیرفت.

سؤال دیگر بنده این است که ادبیات به معنای عام کلمه با انقلاب اسلامی چه نسبتی دارد؟ و به عبارت دیگر آیا ادبیاتی داریم که منجر به انقلاب شده باشد یا اینکه انقلاب به عنوان

تقسیم‌بندی دیگری را خدمت شما مطرح نمایم. ما در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، سه نوع ادبیات داریم که عبارتند از: ادبیات قیام، ادبیات پیروزی انقلاب و ادبیات بعد از انقلاب؛ لذا قاعدتاً باید پیش‌زمینه‌های انقلاب نیز در حوزه ادبیات انقلاب به شمار آید؛ برای نمونه برخی نویسندگان، خصوصاً نویسندگان مسلمان و متدین، از سال‌های پیش از انقلاب، مسائلی مطرح کردند که در چهارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی جای می‌گرفت. این مباحث گاه مربوط به ارزش‌های کلی و انسانی و گاه در جهت تقویت مبانی انقلاب اسلامی بوده است. متفکرانی نظیر شهید مطهری، مرحوم شریعتی، جلال و دیگران سعی می‌کردند که آثارشان بنیه‌های دینی و انقلابی نسل جوان را تقویت کند که این آثار نیز باید از منظر محتوایی جزء ادبیات انقلاب اسلامی تلقی می‌شوند؛ اما در معنای دوره‌ای آثاری که پیش از انقلاب منتشر شده‌اند، جزء ادبیات انقلاب اسلامی به شمار نمی‌آیند. از سال ۱۳۴۲ که نهضت اسلامی شکل گرفت و به صورت هدفمند حرکت کرد، ادبیات خاصی مشاهده می‌شود که می‌توان آن را ادبیات انقلاب اسلامی به معنای محتوایی آن در نظر گرفت؛ اما در نگرش دوره‌ای جزء ادبیات انقلاب اسلامی تلقی نمی‌شوند.

بنابراین اشعار و متونی را که به صورت پراکنده به مفاهیم ظلم‌ستیزی، پلشتی‌های فقر و غیره پرداخته‌اند، به دلیل اینکه مجموعاً به آرمان‌های انقلابی توجه نموده‌اند، می‌توان پیش‌قراولان ادبیات انقلاب به شمار آورد.

دکتر خاتمی: البته این به نوع نگاه و چگونگی تقسیم‌بندی ما بستگی دارد. در این نوع تقسیم‌بندی ادبیات مقاومت، ادبیات مبارزه، ادبیات پایداری و غیره باید تعریف شود و هر کدام در جای خود نشانداده شود. مثلاً ادبیات مقاومت پیش از انقلاب نیز مشاهده می‌شود و آثار بسیاری از چهره‌های برجسته ادبیات ما نظیر ناصر خسرو و سیف فرغانی به این حوزه مربوط می‌شود حتی قسمت‌هایی از شاهنامه نیز ادبیات مقاومت تلقی می‌شود.

بنابراین با این دیدگاه این نوع ادبیات در تمام دوره‌ها مشاهده می‌شود؛ اما تقسیم‌بندی، مربوط به سال‌های پس از ۱۳۴۲ است که امام تبعید می‌شود. ادبیات پس از این دوره را می‌توان ذیل ادبیات مبارزه و مقاومت بررسی نمود و در نهایت به ادبیات انقلاب اسلامی منتهی کرد؛ البته این نوع تقسیم‌بندی‌ها، نیاز به تحقیق و بررسی فراوان دارد. متأسفانه در کشور ما آنطور که باید و شاید به ادبیات انقلاب اسلامی، چه به معنای دوره‌ای و چه به معنای محتوایی پرداخته نشده است. در هیچ یک از بررسی‌ها و پژوهش‌ها، از منظر دوره‌ای به ادبیات انقلاب اسلامی توجه نشده است. از این منظر نقد ادبی، ادبیات

تحولی بزرگ که در اجتماع ایجاد شده، نوع خاصی از ادبیات را تولید کرده است؟

دکتر خاتمی: واقعیت این است که ادبیات برای تمامی دوره‌ها، ظرف است؛ بنابراین اگر از دیدگاه ظرف و مظلوف به قضیه بنگریم، رابطه این دو کاملاً مشخص است؛ یعنی ما ظرف و بستری را فراهم کرده‌ایم که از طریق آن بتوانیم برای تبیین و تشریح آرمان‌های انقلاب استفاده کنیم.

این یک بحث است، بحث دیگر این است که همیشه ادبیات در تحولات اجتماعی - سیاسی سهم دارد و تحولات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی نیز در ادبیات سهم دارند. در تمام دوره‌های گذشته نیز این مسأله مشاهده می‌شود؛ یعنی مثلاً همان‌طور که ادبیات در پیروزی و شکل‌گیری نهضت مشروطه تأثیر داشته است، بی‌تردید نهضت مشروطه نیز در رشد و توسعه ادبیات نقش داشته است. به اعتقاد من در حوزه انقلاب اسلامی نیز ادبیات در شکل‌گیری انقلاب سهم داشته است. داستان‌ها و رمان‌ها و اشعار و نیز تلاش نویسندگان و ادبا از پیش از انقلاب اسلامی در روشنگری و جهت‌گیری جوانان انقلابی تأثیر داشته است ولی اتفاقی که به عنوان انقلاب اسلامی رخ داده است، قطعاً در حوزه‌های مختلف ادبیات سهم دارد؛ یعنی مثلاً ما امروز در حوزه ادبیات فارسی، شاهد حضور مفاهیم و مضامینی هستیم که سابقه آن در تاریخ ادبیات فارسی مشاهده نمی‌شود و این چیزی جز تأثیر و حضور ادبیات انقلاب اسلامی در ادبیات فارسی نیست.

هم‌اکنون سی سال از انقلاب سپری شده است و ما شاهد حضور ادبیات این دوره چه به صورت ضعیف و چه به صورت قوی هستیم. حال قضاوت و داوری شما، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی درباره ادبیاتی که در این سی سال به وجود آمده است، چیست؟ آیا این ادبیات حق مطلب را در همسویی و همجهتی با تفکر انقلاب اسلامی ادا کرده است یا خیر؟

دکتر خاتمی: قضاوت کردن درباره ادبیات این دوره، در این مقطع به دو جهت، کار آسانی نیست. اول اینکه عمری که از ادبیات انقلاب اسلامی گذشته است، برای ارزیابی دقیق ادبیات این دوره، کافی نیست و ارزیابی صحیح درباره ادبیات این دوره مشروط بر این است که زمان مطلوبی از این دوره سپری شود تا بتوان راجع به تمام ابعاد این دوره سخن گفت. دوم اینکه در این دوره ادبیات ما از لحاظ کمی رشدی چشمگیر داشته است و از این لحاظ نمی‌توانیم این دوره را با سایر دوره‌ها مقایسه کنیم. در حوزه ادبیات داستانی و خصوصاً شعر این رشد کمی قابل مشاهده است، اما حقیقت این است که از لحاظ کیفی و در شاخه‌های مختلف، آثار خلق شده یکدست نیست. در زمینه ادبیات

داستانی البته اگر فقط از منظر محتوایی به قضیه نگاه کنیم، ایجاد کردن ادبیاتی متناسب با شأن و شئون انقلاب اسلامی و عرضه آن به جهان، کار آسانی نیست و با وجود کارهایی که در این زمینه انجام شده است، هنوز حق مطلب را ادا نکرده‌ایم. ادبا و شعرای ما، خصوصاً نسل رمان‌نویسان نتوانسته‌اند در این زمینه به توفیق جهانی دست یابند و رمانی متناسب با شأن و منزلت انقلاب اسلامی پدید آورند.

با وجود این، نمی‌توانیم بگوییم که از لحاظ کیفی روبه‌رشد نیستیم و خوشبختانه هرچه پیش‌تر می‌رویم دقت و توجه نویسندگان به ارزش‌های ادبی بیشتر می‌شود و به تبع آن پیشرفت و تکامل در این حوزه به میزان بیشتری حاصل می‌گردد و قطعاً در آینده، وضعیت بهتر از آن چیزی خواهد بود که امروزه مشاهده می‌کنیم.

اما متأسفانه در شاخه‌های دیگر خصوصاً شاخه‌هایی نظیر نقد ادبی، وارد مباحث جدی نشده‌ایم و همین مسأله باعث می‌شود که نتیجه داوری ما، نتیجه مطلوبی نباشد. نکته دیگر این است که در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، هنوز پژوهشی جدی انجام نشده است؛ لذا بُعد پژوهش و تحقیق در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، باید مورد توجه و همت نهادها و مؤسسات علمی - پژوهشی قرار گیرد و در شاخه‌های مختلف کاری جامع و کامل ارائه شود و نتیجه‌گیری‌هایی قطعی در زمینه‌های مختلف تحقیقی نظیر ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات داستانی، شعر و ... عرضه گردد؛ ضمن اینکه همین پژوهش‌ها، امکان ارزیابی‌های درست در این زمینه را فراهم می‌آورد.

مستحضر هستید که پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، کشور ما دچار جنگ تحمیلی گردید و تبعات آن دامنگیر همه شئون اجتماعی کشور ما شد. به تبع این جنگ، چه هم‌زمان دوران درگیری و چه پس از آن، نوعی خاص از ادبیات شکل گرفت که از آن با تعابیر ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ادبیات دفاع مقدس و ... یاد می‌شود و موضوع و دستمایه این ادبیات، مسأله جنگ هشت ساله بین عراق و ایران بوده است.

حال به عقیده شما وقتی از منظر دوم یعنی از منظر محتوایی به ادبیات انقلاب می‌نگریم، نسبت ادبیات دفاع مقدس با ادبیات انقلاب چیست؟

دکتر خاتمی: بر این باورم که میان ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس، نوعی رابطه عام و خاص مطلق وجود دارد؛ یعنی ادبیات دفاع مقدس به نوعی ادبیات انقلاب اسلامی نیز تلقی می‌شود اما ادبیات انقلاب اسلامی الزاماً ادبیات دفاع مقدس نیست. اما نکته‌ای که در اینجا لازم است بدان توجه نمایم این است که ادبیات دفاع

در تألیف آثار ادبی مربوط به انقلاب و دفاع مقدس صحبت بفرمایید.

دکتر خاتمی: یکی از گونه‌های ادبی که به صورت عام دستاورد انقلاب اسلامی و به صورت خاص دستاورد دفاع مقدس است، خاطره‌نویسی است. واقعیت این است که خاطره‌نویسی در ادبیات ما بسیار رایج شده است. در گذشته نیز خاطره‌نویسی کم و بیش وجود داشته است و رجال سیاسی و شخصیت‌های علمی به ثبت خاطرات خود می‌پرداختند؛ اما اینکه خاطره‌نویسی ابزاری می‌شود به دست مردم عادی تا خاطرات خود را از روزهای انقلاب و خصوصاً دفاع مقدس ثبت نمایند، جریانی تازه است و می‌توان آن را نوع ادبی خاصی تلقی

مقدس و اتفاقی که به عنوان جنگ و دفاع رخ داد، در شکل‌گیری و قوام‌بخشی ادبیات انقلاب اسلامی بسیار مؤثر بوده است؛ یعنی پدیده‌ای به نام جنگ تحمیلی، موقعیتی بسیار مناسب برای پرداخت ادبا به ادبیات و تولید ادبیات به لحاظ محتوایی فراهم آورد. بنابراین نگرانی بنده مبتنی بر اینکه هنوز نتوانسته‌ایم آثاری جاوید و ماندگار در حوزه دفاع مقدس و جنگ تحمیلی فراهم آوریم؛ از همین بابت است؛ یعنی سوژه‌ها و موضوعاتی بسیار واقعی، حساس، عاطفی و انسانی در مقطع هشت ساله دفاع مقدس وجود دارد که می‌تواند دستمایه آثاری بزرگ نه فقط در عرصه رمان بلکه در عرصه داستان بلند، داستان کوتاه، فیلمنامه‌نویسی و نمایشنامه گردد و تحولاتی بسیار جدی در ادبیات ایجاد نماید که خوشبختانه بخشی از این اتفاقات رخ داده است و همانطور که عرض کردم سهم زیادی از ادبیات انقلاب اسلامی از لحاظ محتوایی مدیون ادبیات دفاع مقدس است؛ اما این مقدار برای نشان دادن عظمت مقاومت ایران در برابر حمله جهانی صدام کافی نیست. چنین مقاومت و پایداری و ایثاری می‌تواند دستمایه نویسندگان

و فیلمنامه‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان برای خلق شاهکارهای ادبی بزرگ قرار گیرد؛ ضمن این که لازم است از پدیدآورندگان آثار برجسته در این حوزه تقدیر نماییم، باید توقعات خود را از این قضیه بالا ببریم و به تولیدات فعلی قناعت نکنیم تا شاهکارهایی بزرگ نظیر «جنگ و صلح» تولستوی درباره جنگ تحمیلی خلق گردد و امیدواریم در سال‌های بعد شاهد ظهور و بروز چنین آثاری باشیم.

به نظر می‌آید خلق چنین آثاری در

گرو این است که نویسنده و شاعر

خودش این تجربه‌ها را درک

نموده و از نزدیک آن را لمس

کرده باشد و یا اینکه این

تجربه‌ها به همان صورت ناب و

ملموس در اختیار نویسنده قرار داده

شود تا اینکه با مطالعه این تجربیات اثر

خود را بیافریند. به نظر می‌آید که اگر بخش

دوم مورد توجه قرار گیرد، موفقیت‌های زیادی

در این حوزه به دست می‌آید. خود این مسأله نیز،

یعنی تجربیات ملموس را در اختیار نویسندگان

قرار دادن، در گرو ثبت خاطرات است؛ لذا اگر

ممکن است درباره نقش خاطرات و تأثیر آنها



کرد که سابقه آن پیش از انقلاب بسیار کم‌رنگ است؛ حال آنکه پس از انقلاب چندین جلد کتاب در حوزه خاطره‌نویسی و با موضوع انقلاب و جنگ چاپ شده است؛ لذا خاطره‌نویسی حوزه‌ای بسیار مهم است و می‌تواند به کسانی که میل به نوشتن و تنظیم نمایشنامه و فیلمنامه دارند یاری رساند. اما برای تحقق اتفاقات ناب ادبی که اشاره کردم، صرف خاطره‌نویسی کافی نیست گرچه به نوبه خود می‌تواند به خلق این آثار یاری رساند. بخش‌های دیگری در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس وجود دارند که در زمینه خلق این آثار می‌توانند مؤثرتر باشند. مستندسازی‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است و جمع‌آوری عکس‌ها، فیلم‌ها و سندها می‌تواند ذهن نویسندگان خلاق را به این عرصه‌ها معطوف نماید. مستندات زیادی در این زمینه وجود دارد و مجموعه حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس نیز مقدمات و زمینه‌های لازم را برای کسانی که می‌خواهند از این آثار استفاده نمایند، فراهم کرده است. واقعیت این است که در دنیایی با این حد از امکانات دست ما بسیار بازر است؛ بنابراین ما باید امروز نسبت به گذشته بهتر بنویسیم و وقایع را بهتر به تصویر بکشیم و رمان‌ها و داستان‌های برجسته‌تری خلق کنیم؛ ضمن اینکه از مجروحان و جانبازان و آزادگانی که هنوز در قید حیات هستند نیز می‌توانیم استفاده کنیم و حرف‌ها و خاطرات آنها را که بعضاً ثبت نشده است، ثبت کنیم و مورد استفاده قرار دهیم؛ لذا نویسندگان می‌توانند با انس و نشست و برخاست با این افراد، زمینه‌های لازم را برای کار خود فراهم آورند و مایه‌های لازم را از کلام آنها بیرون کشند. خوشبختانه ما در این زمینه دست خالی نیستیم و بسیاری از نویسندگان ما، خودشان در بطن جریان‌های دفاع مقدس بوده‌اند و دفاع مقدس را یا در پشت جبهه و یا در میدان جنگ حس کرده‌اند و در مجموع در کوران حوادث و اتفاقات جنگ واقع شده‌اند. همچنین انبوهی از مستندات نیز وجود دارند که می‌توانند به نویسندگان یاری رسانند.

واقعیت این است که مخاطب آثار ادبی تولید شده در این عرصه یا عامه مردم هستند، یا متخصصان ادبیات. متخصصان ادبیات وقتی با این آثار مواجه می‌شوند، نقد و نظر تخصصی خود را ارائه می‌دهند و بخشی از این نقد و نظرات در رسانه‌های تصویری، شنیداری یا به صورت مکتوب در رسانه‌های چاپی به عنوان نقد تخصصی و بدون تعارف، عرضه می‌گردد. حال سؤال بنده این است که نقد تخصصی این نوع آثار که به عنوان ادبیات انقلاب از آنها یاد می‌کنیم، در شناخت جامعه ادبی از این نوع ادبیات و نیز در پیشرفت و ادامه این نوع ادبی، چقدر مؤثر است؟

دکتر خاتمی: معتقدم اگر بناست که ادبیات انقلاب اسلامی به هر نحوی بماند و رشد کند و آینده مطلوب و درخشانی برای خود رقم زند، چاره‌ای جز گرم کردن بازار نقد نداریم؛ به این معنا که نقد آثار است که می‌تواند آثار را پخته نماید.

به عقیده من وظیفه نقد، معرفی و شناساندن آثار به مخاطب نیست و اگر از این دید بنگریم نقدها نقد مطلوبی نخواهد بود؛ اما اگر به نقد با این دیدگاه که می‌تواند اشکالات کار ما را اصلاح کند بنگریم، قطعاً وسیله مناسبی برای رشد ادبیات خواهد بود. در هر دوره‌ای هم که نقد مورد توجه قرار گرفته است، رشد ادبی زیادی صورت گرفته است. در دوره انقلاب اسلامی، تعداد جلساتی که به نقد کتاب می‌پردازند کم نیستند؛ اما برگزاری این جلسات برای گسترش و توسعه نقد ادبی کافی نیست بلکه برای تحقق این هدف باید کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و اصلاح متن خصوصاً برای نسل جوان برگزار گردد تا بدین وسیله بنیه نویسندگی بین نسل جوان تربیت و تقویت شود؛ لذا از یک‌طرف باید بنیه نسل جوان را تقویت کنیم و از طرف دیگر باید راه‌های رفع اشکالات و نواقصی که منتقدان بر آثار وارد می‌آورند را عرضه کنیم و نسل جوان را ترغیب کنیم که به این موارد توجه نمایند. بنابراین من نقد را وسیله‌ای برای تقویت ادبیات می‌دانم؛ ضمن اینکه خود نقد نیز باید تقویت شود و نگاه منتقدان نگاه منتقدانه علمی باشد. جلسات نقد نیز باید جلسات منصفانه و عالمانه باشد و کتاب‌های جریان‌ساز و مؤثر در این جلسات نقد شود تا بدین وسیله بتوانیم بنیه ادبیات این دوره را تقویت نماییم.

تلقی عمومی درباره آثاری که در حوزه ادبیات انقلاب و هم‌مسو با آرمان‌های آن تألیف می‌شود این است که نباید به کاستی‌ها و نواقص و نقطه‌ضعف‌های این آثار به دلیل اینکه با نگاهی مثبت به پدیده انقلاب می‌نگرند، پرداخته شود. نظر شما در این باره چیست؟

دکتر خاتمی: به عقیده من اگر کسی بخواهد به ادبیات انقلاب اسلامی خدمت کند، باید آشکارا به نقد علمی آثار ادبی بپردازد. تعارف در این زمینه اگرچه ممکن است موجب خوشایند نویسنده یا گروه خاصی گردد، ولی در نهایت ظلم به ادبیات انقلاب است؛ یعنی ما اگر می‌خواهیم ادبیاتی شکوفا و پر بار داشته باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه تعارفات را در بحث نقد ادبی کنار بگذاریم و نقد ادبی را به صورت علمی و عریان به انجام رسانیم. مؤلفان نیز باید از این اتفاق لذت ببرند و بی‌زیرند که نقد انجام شده، به نفع کار آنهاست و در چاپ‌های بعد نقیصه‌ای را که وجود داشته است، رفع نمایند تا اثر ادبی به کمال برسد، لذا هر مصالحه و تساهلی در عرصه نقد، ضربهای بر بیکره ادبیات انقلاب وارد خواهد آورد.